

هم‌بخنی درباره
غزل ایران

در سالهای پنجاه سده کنونی گنجینه ادبیات کلاسیک ایران با یکی از آثار مهم دیگر غنی‌تر گردید. احمد آتش دانشمند ترک در یکی از گنجینه‌های اسلامبول صورت یکی از منظومه‌های ایران را بنام «ورقا و گلشاه» که تا آنزمان مجهول بود، بدست آورد. (۱۲) احمد آتش، جریان کشف جدید و همچنین نتایجی را که از آن حاصل شده بود در «اخبار دانشگاه تهران» (۲) تشریح کرد. در سال ۱۹۶۴ دانشمند معروف ذبیح‌اله صفا متن کامل منظومه را انتشار داد و دیباچه‌ای بر آن نگاشت و لغت نامه‌ای هم تنظیم کرد (۶).

بطوریکه از متن منظومه معلوم میشود، منظومه مزبور بوسیله عبوقی نامی سروده شده (۳، ۶ - ۱۲۲) و به سلطان محمود غزنوی اهدا گردیده است. از میراث ادبی این شاعر قبل از نسخه خطی اشاره شده فقط دو بیت معروف برده که بوسیله عباس اقبال در لغت نامه اسدی طوسی، نقل شده است (۱۰ - ۱۲۳ - ۳۰۵)

دانشمند ایرانی صادق کیا نسبت به معاصر بودن عبوقی با سلطان محمود غزنوی اظهار شک و تردید نموده است ولی این تردید را جهان دانش پذیرفته و امروزه «ورقا و گلشاه» از آثار ثلث اول قرن یازدهم قلمداد میشود. (۸ - ۳۰۵)

اثر خطی مزبور از لحاظ خط شناسی باستانی و زبان شناسی و ادبیات و هنرشناسی اهمیت فوق العاده دارد. بقیده ناشر در بعضی از جاها متن مزبور بوسیله استنساخ کنندگان تحریفاتی پیدا کرده. طبق اصول خط شناسی، تاریخ نسخه مزبور قرن سیزدهم است. اعراب گذاری اغلب واژه‌ها به پژوهشگر حق می‌دهد که املاء و تلفظ آنها را منسوخ و مهجور محسوب دارد. در این نسخه هفتاد و یک مینیاتور رنگی از عبدالؤمن محمد نقاش دیده میشود. بقیده کارشناسان، مینیاتورهای مذکور ترکیبی از سبک‌های سلجوقی و چینی است. نمونه‌های چنین ترکیبی که در دوران قبل از مغول وجود داشته، امروزه بمقادیر کمی موجود است. اگر مینیاتورهای «ورقا و گلشاه» جلب نظر کارشناسان را نموده است جای حیرت و تعجب نیست. (۲۵، ۳۰، ۲۹)

منظومه عیوقی اثری است تصویری و خیالی که در بحر متقارب سروده شده است. موضوع آن بگفته مؤلف از کتب و افسانه‌های عربی اقتباس گردیده است. این روایت افسانه‌ای، درباره عشق نافرجام شاعر «اوروا» نسبت به محبوب خود «افرا» ظاهراً انتشار زیادی در جهان عرب داشته و در بسیاری از منابعی که تا قرن دهم بوجود آمده، بیان گردیده است (۶، مقدمه، ۹-۱۰) در بعضی از آنها اشعار شاعر اوروا که در وصف معشوق وی افزا سروده شده استشهاد میشود.

این موضوع عربی در نواحی شرقی اسلامی تحت عنوان «ورقا و گلشاه» انتشار یافت و بالاخص در میان ملل ترک زبان شهرت فراوانی دارد. در قرون وسطی در ادبیات ترک و آذربایجان و ازبک و قزاق و کرد نظم و نثر این موضوع، شهرت دارد. قبل از کشف قصیده عیوقی دلائل ذهنی نسبت به وجود منبع ایرانی روایت مزبور وجود داشت. کشف احمد آتش موجب شد که این حدس یقین تبدیل گردید.

افسانه عربی از طریق اسپانیای تحت لوای اسلام به ادبیات اروپای غربی نیز نفوذ و سرایت کرد و در زمان فرانسوی بنام «فلور و بلانشفور» (۲۶، ۲۷) که نمونه کلاسیک باصطلاح «رمان ایدلیک (خوشبخت)» می‌باشد، تجلی کرد.

قصیده عیوقی اولین اثر افسانه عربی است که در خارج از جهان عرب پرداخته شده است. عیوقی اسامی قهرمانان داستان را با تلفظ دیگر و جدیدی

بیان مینماید که در ادبیات واردگردیدند. عیوقی سنت جدیدی را نیز برای بیان موضوع رمانتیک در خاورمیانه پایه‌گذاری نموده است.

در بعضی از آثار ادبی کلاسیک ایران انعکاساتی از «ورقا و گلشاه» مشاهده میشود. قطعات و شواهدی از آن در داستان ملی جوانمردانه «سَمک‌عیار» متعلق به قرن دوازدهم (۹۹۱، ۱۷) ذکر میگردد. شعرای ایرانی ضمن بیان داستانهای عشاق اسامی ورقا و گلشاه را بیان می‌کنند (سوزنی و رومی). در لغت‌نامه‌های شعوری و برهان نیز نام آنها آورده شده است. داستان ورقا و گلشاه در ردیف سایر داستانهای عشقی در کتاب شاعر قرن چهاردهم بنام عمادی در «محبث نامه» (۱) نیز ذکر شده است. در فولکلور افغان (۱۲) نیز شهرتی فراوان دارد. ۱. در باره ادبیات ترک هم در فوق اشاره شد.

از تنظیم و پرداختهای اخیر بزبان فارسی فعلاً يك نسخه کشف شده که در بحر هزج انشاد گردیده است. دو نسخه از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. (۲۰) ظاهراً این نسخه با دو نسخه خطی موجود در انستیتوی شرقشناسی فرهنگستان علوم ازبکستان مشابه است (۶۸۲۵، ۱۱۱/۲۲۶). انتشارات چاپی هم آنرا عیناً تکرار کرده‌اند. (۹۸) موضوع نسخه و روایت اخیر به منظومه عیوقی نزدیک است گرچه موضوع آن قدری غامض‌تر شده و اشخاص و وقایعی بآن اضافه گردیده که جنبه ماجرا پیدا کرده و این خرد از کیفیات آثار حماسی متأخر ایران بشمار میرود.

برای حماسه داستانی (رمان‌مانند) ایران اهمیت «ورقا و گلشاه» فوق‌العاده زیاد است، زیرا در واقع این اولین تصنیفی است که در این سبک بصورت کامل بدست ما رسیده است. مطالعه منظومه عیوقی و همچنین قطعاتی از «وامق و عذرا» ی عنصری ۲ که با منظومه مذکور هم‌زمان است بما فرصت میدهد که در مورد پیدایش و سیر تکامل سبک رمان‌مانند در ادبیات کلاسیک ایران به بررسی بپردازیم. در این آثار بطور آشکار ویژگی حماسه داستانی که بنحو کلاسیک در منظومه «ویس و رامین» تکامل یافته، بیان گردیده است. اکنون تاریخ حماسه داستانی ایران نمیتواند منظومه عیوقی را نادیده انگازد بخصوص که با منظومه «ورقا و گلشاه» و بسیاری روایات مشرق زمین

۱ - در سال ۱۹۶۸ که به کابل ما موریت یافتیم شخصاً به تهرنت فراوان این موضوع در این افغانها پی بردم.

۲ - تا این اواخر منظومه عنصری مفقود تلقی میشد. قسمت سزرگمی از آن در سالهای ۵۰ سده ما کشف شده (۳۱)

در ارتباط است. این مطلب در خور تحقیقات خاصی است. اکنون ما می‌خواهیم فقط به یکی از صور و اشکال منظومه عیوقی که بنظر ما ارزش فوق‌العاده دارد توجه کنیم. این مسئله اجازه می‌دهد که تاریخچه پیدایش و تکوین موضوع غزل ایران تکمیل و همچنین تحول تدریجی اصطلاح مزبور روشن شود. در متن مثنوی در بعضی جاها اشعار تغزلی و غنائی دیده میشود که قوافی آن به شیوه غزل است و در ضمن بحر متقارب تغییری نمیکند. این اشعاری است که از زبان قهرمانان منظومه در موقعیت‌های مناسب سروده شده، و در متن با عناوین ویژه مشخص است (مثلاً «شعر ورقا در باره جدائی از گلشاه» یا شعر «ربیع ابن عدنان» و دیگران) یا زده شعر از اینگونه اشعار آهنگ متن را زینت می‌بخشد. در اینجا ما یکی از آن اشعار را بعنوان مثال ذکر می‌کنیم:

شعر گفتن گلشاه در هجر ورقا:

ایا نزهت و راحت جان من	دل و دیده و جان و جانان من
تو درمان جانی و درد دلی	کجا رفتی ای درد و درمان من
گستندم از تو نکردند رحم	بر این خسته دو چشم گریان من
ز درد دلم گشت رخساره زرد	ز غم گوژ شد سر و بستان من
ز بهر دم به غریبی مرا	بدادند بسی امر و فرمان من
تو بر جان خود بر مخور زنهار	که خوردند زنهار بر جان من (۷۵، ۶)

ذبیح اله صفاشیوه ورود غزل را در مثنوی یکی از نوآوری‌های غیرعادی ادبیات فارسی میدانند و علتش را اشعار شاعر اورواکه در افسانه عربی داخل گردیده، ذکر می‌کند و اشاره مینماید که شاعر ایرانی در موارد لازم این غزلیات را با غزل‌های مشابه مربوط به ورقا عوض کرده است. یاید متذکر شد که تمام اشعار را فقط ورقا بزبان نمی‌آورد و تمام آنها جنبه عشق‌ورزی ندادند. (مثلاً مرثیه ورقا در مرگ پدر).

بدین مناسبت جا دارد که نظرات ای. س. براگینسکی را بیاد آوریم. وی عقیده دارد که در آفرینشهای حماسی شفاهی پارسی - تاجیکی شیوه داخل کردن غزل در مثنوی سابقه دارد (۳۱۰، ۳). با توجه به این سابقه استفاده از این شیوه در منظومه عیوقی معلوم و روشن می‌شود. گرچه در آثار ادبی این شیوه ندرتاً مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این باب می‌توان به منظومه سلمان ساوجی (قرن چهاردهم) «جمشید و خورشید» و به روایت ادبی «بهرام و گلندام» و به منظومه خوارزمی (قرن چهاردهم) به دوزبان فارسی و ترکی بنام

«محبیت‌نامه» که در آنها این شیوه بکار رفته اشاره نمود. با این تفاوت که غزلیات ساوجی از لحاظ بحر شعری متفاوت و متمایز است. تا این اواخر این شیوه، نوآوری سلمان ساوجی (۱۱۵، ۱۱۸-۱۱۹) تلقی می‌شد ولی اکنون روشن شده که عیوقی قبلاً از این شیوه استفاده نموده است. ظاهراً این شیوه بعد از عیوقی در منظومه‌هایی که در موضوع «ورقا و گلشاه» انشاد شده جزو سنت در آمده است. این شیوه در روایات متأخر ورقا و گلشاه و همچنین در منظومه ترکی «مسیحی» شاعر قرن هفدهم نیز بکار رفته است (۲۰، ۱۸).

باین نکته باید توجه داشت که قطعات غنائی که در متن اصلی منظومه عیوقی داخل شده و ما در این مقاله آنرا اصطلاحاً «غزل» نامیده ایم خود شاعر آنرا «شعر» نامیده، در حالیکه نمونه‌های بارزی از اشکال اشعاری هستند که در ادبیات ایران «غزل» نام دارند و این خصوصیات عبارتند از سجع و قافیه، کمال معنای بیت‌ها، موضوع عشق و تنزل، روشنی و صراحت فکر، سبک آسان و روان، نشابه موضوع و مطلع و مقطع و گاهی هم آهنگی قافیه وردیف و تعداد ابیات که بیش از چهار و پنج و شش و باهفت بیت نیست.

بدین ترتیب شعرهای مذکور در منظومه عیوقی نمونه‌هایی از سبک نخستین غزل است که در زمان نسبتاً متأخر تکامل یافته است. بطوریکه معلوم است در علم ایران‌شناسی تاکنون وحدت نظر و عقیده در باره پیدایش و پیشرفت تاریخی و تکامل تدریجی اصطلاح «غزل» حاصل نشده است (۲۴، ۲۱، ۲۰، ۲۹، ۳۲، ۷۰، ۱۱).

پر واضح است که در موقوع مطالعه در این مسائل به موازات دیوانهای غنائی باید اطلاعات مربوط به آثار حماسی را نیز در نظر گرفت. بخصوص با توجه به اینکه غزل در یک دوره متقدم بوجود آمده که منظومه عیوقی نیز به آن دوره مرتبط است ۲ بر مؤلفان رسالات و آثار متقدم ادبی واضح معلوم بوده که معانی لغوی و اصطلاحی لغت «غزل» همیشه با یکدیگر تطابق ندارد. طبق تعریف شمس قیس (قرن سیزدهم) چنین استنباط می‌شود که در مورد استعمال لغت غزل از زمان رودکی (قرن دهم) در اولین وهله محتوای اشعار غنائی در

۳ - مقایسه کنید با نظریات آ. میرزایف: «قرن یازدهم (بخصوص نیمه اول آن) به استثنای دیوان غزلیات منتسب به باباکوهی (وفات ۱۰۵۰ م.) (دلایل برای تکامل غزل وجود ندارد... شعرهای غنائی این دوره از لحاظ شکل و محتوا تقریباً فرقی با شعرهای مشابه قرن دهم ندارد) [۲/۲۶۸]. آ. میرزایف منظور از این اشعاره شعرهایی است که مضمون عشقی دارد، بدون توجه به شکل آن [۲/۲۵۸]. وجود غزلهای عیوقی اندکی این نظریه را تغییر می‌دهد، زیرا این شعرها از لحاظ شکل کاملاً با غزل مطابقت دارد.

نظر بوده که این اشعار با توصیف عشق و جمال و زیبایی و تائسرات قلبی ارتباط داشته است (۲۳، ۳۰۶). از همین رو تعریف مزبور بسیاری از اشعار رودکی را بعنوان غزل شامل می‌شود. بدون اینکه در نظر گرفته شود که آیا این اشعار از لحاظ شکل و سبک ادبی جزو غزل هستند یا نه.

این اختلاف اصطلاح مدتها پیش وجود داشته و در آثار حماسی قرنهای یازدهم و دوازدهم منعکس شده است. مثلاً فخرالدین اسعدگرگانی در پایان منظومه «ویس و رامین» به مخاطب خود می‌گوید: «این داستان را طبق فرمان تو انشاء نمودم. اشعار مانند باغ شکوفان زیباست، پندها و نصایح مدبرانه آن بسان میوه‌های شیرین باغ است، غزلهای زیبای آن نظیر ریحان موسم نیشان است، (۱۸، ۲۸۷)»

نظامی گنجوی و مقلد او امیر خسرو دهلوی در منظومه‌های خود راجع به خسرو و شیرین فصول جداگانه‌ای را بنام «حکایت غزل نکیسا از جانب شیرین» و «حکایت غزل باربد از جانب خسرو» اختصاص داده‌اند (۱۴، ۱۹، ۲۲-۲۶۶-۲۷۶) در حالیکه گرگانی و نظامی و دهلوی در هیچ‌کجا از صورت شعری مثنوی انحراف ندارند.

عیوقی حقیقت دیگری را که در عین حال جالب است نائید می‌نماید، بدین معنی که اشعاری که بصورت غزل سروده شده نام بخصوصی برای آنها قائل نیست بلکه يك تعریف عمومی برای آنها می‌دهد و این مطلب مؤید آنست که شکل شعری غزل و خود اصطلاح «غزل» هنوز موقعیت و مقام خود را تثبیت نکرده بود. (۲۱، ۱۴۷-۱۴۸). ظاهراً تکامل تدریجی اصطلاح مزبور تا موقعیکه جریان تشکیل و تثبیت سبک غزل پایان نیافته بود، ادامه داشته است. اختلاط اصطلاحی بعد از قرن چهاردهم تقریباً امکان نداشته، زیرا قرن مزبور دوره شکوفائی این سبک بوده تعریف اصطلاحی و لغوی آن در هم آمیخته است. جالب آنکه در نسخه‌های متأخر «ورقا و گلشاه» اشعار عاریه بنام خود یعنی «غزل» نامیده شده‌اند. یکی از خصوصیات اشعار غنائی که در منظومه عیوقی بکار برده شده و باید به آن اشاره نمود اینست که این اشعار تغزلی جزء جدا نشدنی متن بشمار می‌روند و طبیعتاً با موضوع و محتوای منظومه در می‌آمیزند. گوئی شرح داستان مانند تصاویر تغزلی ادامه دارد. این غزلها از لحاظ ویژگی خود هدف و سبک، مؤید این مطلب است که مسئله شکل گرفتن يك سبک ادبی، تفکیک «نصیب» از قصیده و تکامل مستقل آنرا نمیتوان يك عامل قطعی نهائی تلقی نمود (۱۱، ۲۸۹، ۴، ۱۰، ۱۰۷، ۵۱).

بوسیله غزل‌های عیوقی میتوان متوجه شد که چگونگی یک جریان طبیعی ادبی ملی به یک قالب معین شعری که آنرا میتوان مرحله متقدم غزل فارسی بشمار آورد تبدیل گردیده است .

شواهد ادبی که بیان شده است

- ۱ - عماد فخرالدین کرمانی، «حجبت‌نامه صاحب‌دلان» مجموعه نسخ خطی آکادمی علوم ازبکستان ۱، ۱۰۵۸-۱۹۶۰
 - ۲ - احمد آتش یک مثنوی گمشده از دوره غزلیان و رقا و گلشاه عیوقی مجله «دانشکده ادبیات دانشگاه تهران» ۱۹۵۴ شماره ۴
 - ۳ - براگینسکی ای. س. تاریخ شعر ملی قاجاریه، م. ۱۹۵۶
 - ۴ - براگینسکی ای. س. در باره پیدایش غزل در ادبیات فارسی — قاجاریه
 - ۵ - شرقشناسی شوروی، شماره ۲ - ۱۹۵۸
 - ۵ - برکلی، ا. شعر فارسی در بخارا در قرن دهم م. - ل ۱۹۳۵
 - ۶ - «ورقا و گلشاه عیوقی» تهران ۱۹۶۴
 - ۷ - ورزیکینا ز. ن. غزل‌های کمال اسماعیل اصفهانی (مسئله پیدایش سبک)
 - ۸ - «قصه ورقا و گلشاه» پیتاور
 - ۹ - «داستان شیرین عبارات ورقا و گلشاه» تهران (بدون تاریخ)
 - ۱۰ - «لفت فرس نثر عباس اقبال تهران ۱۹۴۰
 - ۱۱ - میرزایف آ. م. رودکی و سیر غزل در قرون دهم تا پنزدهم در رودکی . زندگی و خلاقیت او» م ۱۹۶۸
 - ۱۲ - موزه نوپ قاپی کتابخانه دولتی شماره ۸۴۱
 - ۱۲ - نمونه فولکلور خلق‌های افغانستان دوشنبه ۱۹۶۶
 - ۱۴ - نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، باکو ۱۹۶۰
 - ۱۵ - رشید یاسمی، کعبه و انقباد احوال و آثار سلمان ساوجی تهران (بدون تاریخ)
 - ۱۶ - صفا، ذ. تاریخ ادبیات در ایران جلد اول تهران ۱۳۳۸
 - ۱۷ - صفا، ذ. تاریخ ادبیات در ایران جلد دوم تهران ۱۳۳۹
 - ۱۸ - صراف آ. م. مسیحی و منظومه او «ورقا و گلشاه» رساله علمی نامزدی علوم باکو ۱۹۶۶
 - ۱۹ - فخرالدین کرمانی ویس و رامین تهران ۱۹۵۹
 - ۲۰ - «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» جلد ۱۲ شماره ۳۸۸۰ جلد ۱۴ شماره ۴۷۷۵
 - ۲۱ - خانداری پ. ن. وزن شعر فارسی تهران ۱۹۵۹
 - ۲۲ - امیرخسرو دهلوی، شیرین و خسرو م ۱۹۶۱
 - ۲۲ - شمس‌الدین بن محمد بن قیس رازی: المعجم فی معانی اشعار الامم. لندن ۱۹۰۹
 - ۲۴ - شبل نعمانی شعر المعجم جلد ۵ تهران ۱۹۵۹
۳. Ateş A., Farsça eski bir Varaka ve Gülşah mesnevisi. — «Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi», İstanbul, 1954, № 5.
۲۶. B a s s e t R., Les sources arabes de la Floire et Blancheflor, — «Revue des traditions populaires», vol. 22, 1907.
۲۷. H u e t G., Sur l'origine de la Floire et Blancheflor, «Romania», vol. 27, 1898.
۲۸. R y p k a I., Iranische Literaturgeschichte, Leipzig, 1959.
۲۹. S ü h e y l U n v e r, An illustrated work belonging to the time of Ibn Sina, Türk Tarih Kurumu Belleteni, c. XXV, Ankara, 1961.
۳۰. Turque, Miniatures ansiennes, publié par l'UNESCO, 1961.
۳۱. «Wamiq-o-Adhra of 'Unsurl», ed. by Maulavi Mohammad Shafi, Lahore 1967.

ترجمه نوراله سدهی